

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختارزاده
شهر - اسن - المان

وحدتِ قلبی

این گفته چه زیباست که ، از خیر و شرش توبه
از سرد و هم از گرم و هم از خشک و ترش توبه
یارب ! تو بیامرز ، قدیمی کفن کش
از کندن بی بیل و کلنگ و تبرش توبه
دزدیده همی برد ، گر از مرده کفن را
امروز ، ز دزدیدن خاک و اثرش توبه
گفتند ، یکی جبهه ملی شده ایجاد
از رهبر بی عرضه و از کور و کرش توبه
از قاتل و از دزد و ، هم از خائن و بی دین
از چرسی و تریاکی و قاچاقبرش توبه
(گیلانی) و (گلبنه) و (سیاف) و (گلاب زوی)
(ربانی) و (خورجین) پُر از سیم و زرش) توبه
(قانونی) (قانون شکن) و (خرم) و (فرهنگ)
از (وردک) و (اسماعیل) و صدها نفرش توبه
از (شمس) و (خلیلی) و ، ز (مسعود) خطا کار
از پشت و چپ و راست و از پیش و سرش توبه
از آتش و از مجسمه و اسپندی رنگین
از واژه بیمعنی و ، زیر و زبرش توبه
از فیلک چوبیی که ، مارشال رجیم است
هردم ز (فهیم) و ز (قسیم) اشرش توبه
از بد بترش توبه
از بد بترش توبه
تا بی غل و بیغش
از بد بترش توبه
از زنده چین را
از بد بترش توبه
از مفت گپ و باد
از بد بترش توبه
از دشمن و بدبین
از بد بترش توبه
از بزکش بدخوی
از بد بترش توبه
از بی سر و سردار
از بد بترش توبه
از دادفر ننگین
از بد بترش توبه
ژنرال جهیم است
از بد بترش توبه

از نوکرِ دالخور از بد بترش توبه	از طالبِ پشمینه و ، ملا عمرِ کور از جمله تروریستِ خدا بیخبرش توبه
از مادرِ کیکا از بد بترش توبه	از خیلِ سیه چرده و ، از غنڈل و جولای قانغوزکِ پندیده و ، از گنڈ جرش توبه
از همسایه گکِ ما از بد بترش توبه	از اصغرِ نا اکبرِ بی وایه گکِ ما شهرتِ طلبِ لاشه خورِ مفتخرش توبه
از چمچه و کاسه از بد بترش توبه	از مجرمِ اصلی و ، ز داماد و نواسه زان گوره خر و ، ماچه خر و ، کره خرش توبه
از گربه و از موش از بد بترش توبه	از بلیر و ، پوتین و ، هم از کرزی و ، از بوش از ایشپش و کیک و خسکِ بی پدرش توبه
از رقاصة هر ساز از بد بترش توبه	از ناخلفِ تفرقه اندازِ دغلباز از مالش و از خارشِ ، زیرِ کمرش توبه
از پُر شعبده باز است از بد بترش توبه	از این جبهه ملی که پر از سه پته باز است از هر سرک و ، هر پچکِ بد لچرش توبه
از شیطان و ملنگان از بد بترش توبه	از ای جبهه گرگان و شغالان و پلنگان از زین وحدتِ قلابی و ، از کس نخرش توبه
از کیش همه جنگست از بد بترش توبه	از این جبهه نیرنگِ پُر از اهلِ تفنگست از پُر رنگ و جَفنگست و ، از زنگِ خطرش توبه
از احساسِ سَقَم کرد از بد بترش توبه	از «نعمت» قلمِ نقد ، بر آورد و رقم کرد از واژه روشننگر و ، از پرده درش توبه
